

Reply to Book Review: Achaemenids in Egypt


Shahin Mahyar¹ 

Abstract

In Issue 5 of Volume 2 of *The Ancient Iranian Studies*, an article entitled “Achaemenians in Egypt” was published by Dr. Hoshang Rostami, which is a review of my own work. Regarding the response to this critical assessment of the book, a few lines are being mentioned here that can add to more insights into the book and help change the readers' opinions.

Keywords: Prehistoric, Historical Era, Ancient.



¹ Ph.D of Archaeology, Karaj, Iran.  shahin.mahyar@gmail.com

Article info: Received: 9 January 2024 | Accepted: 19 March 2024 | Published: 1 April 2024

Citation: Mahyar, Shahin. (2024). "Reply to Book Review: Achaemenids in Egypt". *Ancient Iranian Studies*, Vol. 3 (9): 143-149. <https://doi.org/10.22034/AIS.2023.414985.1051>



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پاسخ به نقد کتاب: هخامنشیان در مصر

شاهین ماهیار^۱

چکیده

مقاله‌ای با عنوان «هخامنشیان در مصر» را آقای دکتر هوشنگ رستمی در شماره ۵ سال ۲ و صفحات ۱۰۱ تا ۱۰۷ نشریه وزین پژوهشنامه ایران باستان چاپ کرده که نقدی است بر کتاب اینجانب که بیش از ۱۰ سال پیش به چاپ رسیده است. در باب پاسخگویی به این نقد چند سطری نگاشته شده است که خواهشمند است در شماره بعدی آن نشریه درج شود. در این مجال به چند مورد که در آن نقد به شکلی مبهم بیان شده بود، اشاره‌ای شده است.

واژه‌های کلیدی: هخامنشیان، مصر، باستان.



^۱ دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، پژوهشگر آزاد، کرج، ایران. shahin.mahyar@gmail.com
مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱/۱۲
استناد: ماهیار، شاهین. (۱۴۰۱). "پاسخ به نقد کتاب: هخامنشیان در مصر"، پژوهشنامه ایران باستان، سال ۳، شماره ۹: ۱۴۳-۱۴۹.

مقدمه

حقیر را به عنوان دانشجو یا دانش‌آموخته دکتری معرفی فرموده‌اید، صرفاً به صورت مبهم از پیشینه درسی بنده گذر کرده و تعدادی آثار قلمی اینجانب را به شکل ناقص معرفی فرموده‌اید. حقیر ورودی سال ۱۳۸۸ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی هستم و در زمان چاپ اثر، دانشجوی ترم آخر کارشناسی ارشد بودم. البته تأخیر در اتمام دوره نیز به خاطر این بود که بنده دو مدرک کارشناسی و یک مدرک کارشناسی ارشد غیر مرتبط با این رشته دارم و این ادامه تحصیل صرفاً به خاطر علاقه بوده است. این مطلب را در جهت تنویر افکار خوانندگان با دقت نشریه عرض کردم تا ارتباط کتاب «شبکه» و باستان‌شناسی مشخص شود.

نگاهی بر ستون بررسی شکلی اثر

سوم، در همان صفحه ۱۰۴ فرموده‌اید: «روی جلد تصویر نامطلوب و بی کیفیت شواهد فرهنگی هخامنشی در مصر بدون شرح درباره تصویر و ذکر منعی... آمده است». جناب دکتر رستمی عزیز، تصویر مزبور مربوط به کارتوشی از داریوش بزرگ در معبد هیسیس است که البته در صفحه ۹۹ کتاب ذیل شماره ۲۵ در تصاویر آخر و همچنین توضیح آن از صفحه ۵۸ تا ۶۴ کتاب آمده است و خواننده با خواندن کتاب، توضیح آن را در متن خواهد یافت. تا جایی که حقیر برخورد کرده‌ام، نویسنده یا طراح جلد در صورت وجود توضیح درون‌متنی درباره تصاویر جلد، موظف به توضیح طرح برای خواننده نیست. در رابطه با پشت جلد هم هدف تبلیغات نبوده است که حضرتعالی نیک می‌دانید عایدی چاپ کتاب عملاً به صفر نزدیک است و انگیزه مؤلفان در باقی ماندن در این کار صرفاً نشر اطلاعات است و بس.

چهارم، در صفحه ۱۰۵ در باب پیشگفتار فرموده‌اید: «به جای رعایت یک ساختار علمی

جناب آقای دکتر رستمی گرامی، ضمن عرض ادب و احترام محضر جنابعالی و سپاس بابت خواندن کتاب «هخامنشیان در مصر» نوشته این بنده حقیر، لازم دیدم نکاتی را درباره نقدهای حضرتعالی در چند سطر به حضور شما و نشریه محترم پژوهشنامه ایران باستان تقدیم کنم تا شاید راهی به دهی برده باشم. البته برای بنده بیش از هر چیز فرم نقدتان جلب توجه می‌کند. خلاصه‌ای نگاشته‌اید که تمامی از متن کتاب حقیر آورده شده است. در متن نقدتان که به شیوه مقالات علمی نوشته شده، از مراجعی نام برده‌اید که کلامی از آنها در مقاله استفاده نشده و در عوض در پایان به عنوان منابع و مراجع مقاله از آنها یاد شده است، یا للعجب!

نگاهی بر ستون مقدمه

یکم، در مقدمه مقاله ارزشمندتان و در صفحه ۱۰۴ فرموده‌اید: «کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در باره شاهنشاهی هخامنشی در طی سالیان گذشته منتشر شده است و ... هنوز نیز پژوهش‌های تازه‌ای منتشر می‌شود... و کذا...».

جناب دکتر رستمی، همان‌طور که در ادامه بحث فرموده‌اید، چاپ نخست کتاب مزبور در سال ۱۳۹۱ بوده است در حالی که منابع لاتین معرفی شده توسط حضرتعالی تاریخ ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ میلادی را دارند که معادل خورشیدی آن، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بوده و با تاریخ نخستین چاپ کتاب حدود ۱۰ سال اختلاف دارند. به عبارت دیگر در آن تاریخ عملاً یکی از برترین پژوهش‌های به‌روز و علمی داخلی در این زمینه، پایان‌نامه دکتری جناب استاد آقای دکتر رحیم ولایتی بود که هنوز هم به صورت کتاب در دسترس نبود.

نگاهی بر ستون درباره نویسنده و کتاب

دوم، در این بخش که بنده‌نوازی کرده و آثار قلمی

نگاهی بر ستون نقد محتوایی

هفتم، در بخش نقد محتوایی در همان صفحه، عنوان کرده‌اید: «تحقیق کلاسی و صرفاً یک گردآوری ساده بدون بار علمی است». جناب دکتر! این تحقیق کلاسی در دوره کارشناسی ارشد و با معلومات و امکانات در دسترس ۱۰ سال پیش انجام شده بود و بنا به توصیه استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر بهمن فیروزمندی در چاپ آن تحقیق، به زیور طبع آراسته شده است. بنده مدعایی درباره آن کتاب ندارم.

هشتم، در صفحه ۱۰۵، عنوان کرده‌اید: «ماحصل کتاب بدون هیچ اشاره‌ای به تأثر و تأثرات هخامنشیان و مصریان و همچنین پیشنهادهای علمی در جهت تحقیقات علمی باستان‌شناسی به پایان می‌رسد. فصل چهارم به تصاویر اختصاص داده شده که نیازی به ایجاد فصل به عنوان تصاویر قابل توجیه نیست».

ظاهراً منظور جناب دکتر رستمی تأثیر و تأثر دو فرهنگ بوده است (تأثر و تأثرات معنای مورد اشاره را ندارد) که البته حسب عنوان کتاب، هدف نویسنده صرفاً معرفی داده‌های باستان‌شناسی به جامانده در آن سامان است که به دلایل سیاسی دسترسی محققان ایرانی به آن بسیار محدود است. در همین راستا پیشنهاد علمی در این خصوص هم چندان معنایی نمی‌یابد. درباره تصاویرها، همچنان این نکته برقرار است که یا همه تصاویر در لابه‌لای متن قرار می‌گیرند و یا با شماره به فصلی جداگانه ارجاع می‌شود که این امر خدشه‌ای به کتاب وارد نمی‌آورد.

نهم، در صفحه ۱۰۵ فرموده‌اید: «بسیاری از اسامی و مکان‌های مصر با همان شکل لاتین آورده شده...». از قضا اینکه اگر اسامی مصری حتماً به فارسی قید شوند، موجب سردرگمی خواهند بود. مثلاً خدای Ptah در شکل فارسی اصلاً قابل خوانش صحیح نخواهد بود. همچنین

با ادبیاتی شبه حماسی که هیچ ارتباطی با ساختار کتاب ندارد و...» جناب دکتر، پیشگفتار مزبور جمعاً در ۱۴ خط نوشته شده و هدف آن بیان این نکته است که براساس شواهد و داده‌های باستان‌شناسی که در کتاب به آن اشاره شده، داستان لشکرکشی به مصر توسط کبوجیه آن طور که هرودوت نقل می‌کند ماجرابی عشقی نبوده است. حال اگر بازگو کردن این نکته، بیانی حماسی دارد چه اشکالی بر کل کتاب وارد می‌آورد؟ این بخش صرفاً ورود به بحث کلی است.

پنجم، در صفحه ۱۰۵ فرموده‌اید: «در سراسر کتاب ایرادهای نگارشی به وضوح هویدا است و عدم رعایت نوع قلم استفاده شده در متن...». ای کاش با اندکی صبر و حوصله این نقد را پس از تورق چاپ آخر کتاب تقریر می‌فرمودید که همه موارد شکلی آن اصلاح شده‌اند. در باب قلم و فاصله‌سطور نیز راه قبلی را پیموده‌اید و اثر را همچنان پس از گذشت ۱۰ سال و بدون دسترسی به نسخه آخر کتاب مطالعه فرموده‌اید.

ششم، باز هم در همان صفحه ۱۰۵ فرموده‌اید: «طرح جلد، صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری پایین‌تر از حد متوسط است و نیز کیفیت چاپ، صحافی و قطع کتاب متوسط است» درباره طرح جلد، پیشتر توضیح داده شد. در باره حروف‌نگاری، هم قلم Mitra 12 با فاصله ۱/۵ سانتی‌متر در چاپ آخر تنظیم شده است. کیفیت چاپ هم با فیلم و زینک بوده (برخلاف چاپ‌های دیجیتال امروز) و کاغذ ۸۰ گرم اندونزی در چاپ صفحات و مقوای ۳۰۰ گرم با سلفون مات و UV برای جلد استفاده شده است که با پرسشی از خانواده محترم چاپ و نشر مشخص می‌شود استاندارد به‌کار گرفته شده چندان هم پایین نیست. اما ایراد درباره قطع رقیعی کتاب را هرگز متوجه نشدم!

موردی بود که در این باره تحقیق کرده بودند. دولت مصر و زهی حواس ریاست سابق باستان‌شناسی مصر، اجازه بررسی در مورد آثار ایران در مصر را به هیچ گروهی نمی‌دادند و از این جهت کار آن دو نفر دربارهٔ مجموعه‌ها در آن صحرا و فرضیهٔ ایشان دربارهٔ حرکت لشکر هخامنشی با منطق امروزی منطبق است. باشد که ایشان یا جانشینانشان مجوز طرحی ایرانی-مصری را به محققان بدهند تا صحت و سقم آن فرضیه مشخص شود.

سیزدهم، در ادامه فرموده‌اید: «همگی به یک منبع یعنی ولایتی ارجاع داده شده است و این درحالی است نویسنده کتاب می‌توانست که دیگر مقالات رحیم ولایتی منتشر شده در مجله‌های پژوهشی دربارهٔ شواهد باستان‌شناسی هخامنشیان در مصر انتشار یافته که به هیچ یک از این منابع اشاره نشده است» سوی این بیان نامفهوم، همان طور که عنوان شد، پژوهش جناب استاد دکتر ولایتی در این زمینه بسیار جامع بود هرچند از منبع Posener که از قضا به زبان آلمانی بود و منبع دست‌اولی به‌شمار می‌رفت نیز با کمک مترجم بهره گرفته بودم.

نگاهی بر ستون برآیند

چهاردهم، در این بخش فرموده‌اید: «این تعداد ارجاع به وب‌سایت و وبلاگ در یک کتاب که به ظاهر علمی است در نوع خود جالب توجه است.» بنده مدعیایی در باب مرجع بودن کتابم را ندارم و در آن نیز عنوان کرده‌ام که این کتاب صرفاً به معرفی آثار می‌پردازد و راهنمایی برای پژوهندگان در این وادی است. استفاده از تصاویر و نقشه‌های منابع اینترنتی معتبر با ذکر منبع چندان خدشه‌ای به اثر وارد نمی‌کند. وب‌سایتی مانند Livius.org خود دایره‌المعارفی از اطلاعات است که به راحتی می‌توان صحت و

خوانش «اوجاهوررسنت» (Udjahorresnet) در صورت نبودن فرم لاتین آن چیزی نزدیک به غیرممکن است و قس علی هذا.

دهم، در اواخر همین صفحه فرموده‌اید: «حداقل بایستی دربارهٔ شاهان هخامنشی که درگیر موضوع مصر بوده‌اند به صورت واضح و صریح بحث می‌شد. اما این موضوع مورد غفلت واقع شده و با چند بند سرهم بندی شده است.» اگر از ادبیات فاخری که به کار رفته بگذریم، در صفحهٔ ۱۰ کتاب عنوان شده است که: «به صورت مختصر به تاریخ امپراتوری هخامنشی و فراعنهٔ مصر و روابط این دو کشور پرداخته می‌شود.» معنای این کلام آن است که هدف صرفاً یک معرفی اجمالی و اشاره به حوادث حکمرانی است و نه بیان علل و ریشه‌یابی وقایع و کنکاش در وقایع شهریاری هخامنشی. معرفی خلاصهٔ وقایع سرهم بندی نیست!

پانزدهم، در صفحهٔ ۱۰۶ مرقوم فرموده‌اید: «در بخش فراعنه و مصر باستان و گستره جغرافیایی، باوجود عنوان کلی و مهمی که آورده شده، تنها در دو سه بند به آن پرداخته شده است و ارجاع آن تنها به کتاب صادق ملک شه‌میرزادی... است.» البته در ادامه شیوهٔ خاص نقادانهٔ جناب رستمی، گویا منظور ایشان نامعتبر بودن کتاب جناب آقای دکتر ملک شه‌میرزادی است که از استوانه‌های باستان‌شناسی ایران بودند. نقل قول بنده از کتاب ایشان در حد ۳ خط در صفحهٔ ۱۸ بوده و سایر اطلاعات و تصاویر از مرجعی لاتین بهره برده‌ام که در کتاب معرفی شده است.

دوازدهم، در ادامه همین صفحه فرموده‌اید: «بخش بقایای سلاح‌ها و اشیا لشکر گمشده کمبوجیه در واحه بحرین در مرز لیبی: هیچ ارجاع علمی ندارد و با کمال تأسف به گزارش خبری یک شبکه تلویزیونی ارجاع داده است.» البته شاید در نظر اول این ارجاع علمی نباشد اما آن گزارش تنها

جدول ۱. مشخصات نشر کتاب هخامنشیان در مصر براساس مدارک اعلام وصول موجود در انتشارات

ردیف	سال نشر	نوبت چاپ	شمارگان
۱	۱۳۹۱	اول	۱۱۰۰
۲	۱۳۹۳	دوم	۷۵۰
۳	۱۳۹۷	سوم	۱۰۰۰
۴	۱۳۹۹	چهارم	۲۰۰
۵	۱۴۰۱	پنجم	۱۰۰

در مجموع ۵ نوبت چاپ در ۱۰ سال به شمارگان ۳۱۵۰ جلد

جناب آقای دکتر رستمی گرامی، از اینکه کتاب حقیر را موشکافانه بررسی فرموده‌اید سپاسگزارم. برای جنابعالی مقاله‌ای نقادانه و علمی در رزومه پژوهشی و برای بنده به‌عنوان نویسنده‌ای خام در آن زمان و در حال حاضر جز کوله‌باری شرمندگی باقی نمانده است؛ هرچند نقدتان ۱۰ سال پس از انتشار کتاب انجام شده و البته هدفش صرفاً نقادی بوده است و بس.

سقم آن را بررسی کرد هرچند شخصی است. از دیگر سو فرض کنید فردی علاقه‌مند به تاریخ، به موزه‌ای گمنام در کشور هلند یا آلمان رفته و از اثری در ویتترین موزه عکسی مناسب تهیه کرده و در Wikipedia بارگذاری می‌کند و این اثر در وبگاه موزه و در جایی دیگر به چشم نمی‌خورد. حال آیا این عکس چون شخصی است فاقد اعتبار علمی است؟

برآیند

همانند پیشینه آثار قلمی نقد را بر این اثر وارد می‌دانم هر چند نقب و تخریب پذیرفتنی نیست: ادبیات غلط (۱۰۵)، ادبیات شبه حماسی (۱۰۵)، متن شعارگونه و به‌ظاهر حماسی (۱۰۵)، چند بند سرهم‌بندی شده (۱۰۶)، نتیجه‌گیری شعارگونه و احساسی (۱۰۷)، بدون پشتوانه علمی (۱۰۷) و... البته به گواه آمار انتشارات جام گل، همین تحقیق کلاسی سرهم‌بندی شده! تاکنون ۵ مرتبه تجدید چاپ شده و حداقل ۳۰۰۰ نسخه از آن به فروش رفته است:

کتاب‌نامه | Bibliography

ماهیار، شاهین. (۱۴۰۱). هخامنشیان در مصر، کرج: انتشارات جام گل.
Mahyar, Shahin. (2022). *Achaemenians in Egypt*, Karaj: Jam-e Gol Publications (In Persian).

رستمی، هوشنگ. (۱۴۰۲). «هخامنشیان در مصر»، پژوهشنامه ایران باستان، شماره پنجم، سال دوم، ۱۰۱-۱۰۷.
Rostami, H. (2023). *Achaemenids in Egypt*. *Ancient Iranian studies*, 2(5), 101-107. doi: 10.22034/ais.2023.414985.1051 (In Persian).



© 2024 The Author(s). Published by Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran. Open Access.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is based on the Committee on Publication Ethics (COPE) guidelines and complies with International Committee of Ancient Iranian Studies Editorial Board codes of conduct. Readers, authors, reviewers and editors should follow these ethical policies once working with Ancient Iranian Studies. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is liable to determine which of the typical research papers or articles submitted to the journal should be published in the concerned issue. For information on this matter in publishing and ethical guidelines please visit www.publicationethics.org.